مدیرمسئول: محمد فاضلی
تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
روابط عمومی: ۵-۸۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران خیابان خرمشهر- شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ - روابط عمومی
امور مشترکین: ۸۸۵۲۱۹۵۴ و ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: کارا پیام، سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی
اصفهان (آنیل رسانه) و رواق روشن مهر

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

ایران
www.iran-newspaper.com

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:
دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

میثاقنامه اخلاق روزنامه‌نگاران ایران:
www.ion.ir/news/19949.html

تبریز	تهران	مشهد	یزد	اهواز	شیراز	رشت	اصفهان
۱۳	۱۰	۹	۲۹	۳۴	۲۰	۲۳	۱۲
۳	۴	۳	۲۰	۲۵	۹	۹	۹

سخن روز

امام صادق علیه السلام:

اگر در عُمرت دو روز مهلت داده شدی، یک روز آن را برای ادب خود قرار ده تا از آن برای روز مُردنت کمک بگیری. به امام گفته شد: این کمک گرفتن چگونه است؟ فرمودند: به این که آنچه را از خود برجا می‌گذاری، خوب برنامه‌ریزی کنی و محکم کاری نمایی.

کافی (ط-الاسلامیه) ج ۸، ص ۱۵۰، ح ۱۳۲

نـــگاره

پریسا نوراللهی

خون به خون شستن محال آمد محال مولانا

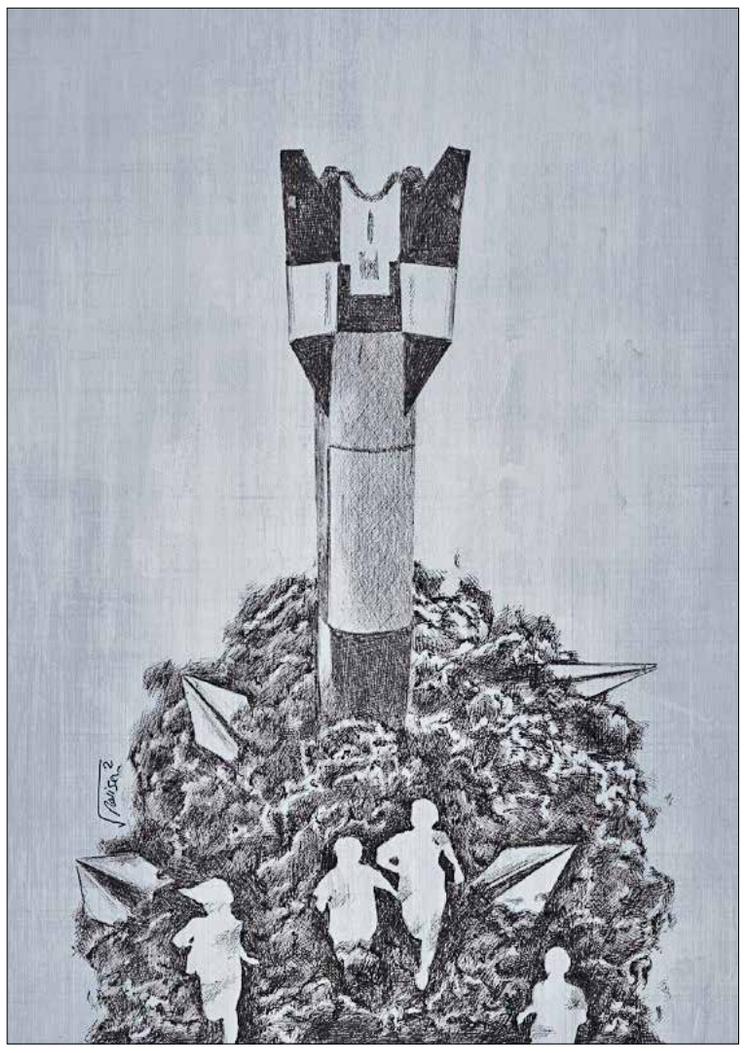

در فواید ممنوعیت

به من بگو از کی بپرسم؟!

یزدان سلحشور

طبق اطلاعیه بانک مرکزی، صرافی‌ها فقط این سه کار را حق دارند بکنند: «انتقال ارز به دستور هر یک از بانک‌های دارای مجوز ارزی، خرید و فروش ارز ناشی از صادرات کالاهای غیرنفتی صادرکنندگان، فروش ارز خریداری شده به متقاضیان از طریق سیستم بانکی» و دیگر مثل قبل خرید و فروش پول کاغذی مجاز نیست. خب! چه از این بهتر! من شخصاً پیشنهاد می‌کنم حالا که با ممنوعیت فروش پول توسط صرافی‌ها، مشکل دلار حل شده، بقیه مشکلات هم به‌همین روش حل شود:

الف. ساخت فیلم توسط تهیه‌کنندگان سینما ممنوع شود، فقط گیشه‌های سینما، بلیت فیلم‌هایی را که بانک‌های کشور ساخته‌اند، بفروشند. هم مشکل ممیزی حل می‌شود که هی یک نفر نگوید من عصبانی هستم، من عصبانی نیستم، هم مشکل اکران بموقع و بی‌موقع و اعتراض تهیه‌کننده مربوطه و گل گرفتن در شورای صنفی نمایش توسط احمد نجفی. مشکل فیلم‌های جشنواره‌ای هم حل می‌شود چون هیچ مدیر عاقلی، در هیچ بانکی نمی‌رود فیلم هنری بسازد که جایزه بین‌المللی بگیرد بعدش در داخل فحش بخورد و توی اکران هنر و تجربه‌اش هم، یکی از سمت چپ داد بزند: نمایش بده! یکی از سمت راست داد بزند: نمایش نده!

ب. تدریس توسط مدارس ممنوع شود فقط درس‌هایی را که بانک‌ها می‌دهند به اولیا و دانش‌آموزان بدهند؛ درصد این درس‌ها هم کمتر از ۱۴ درصد باشد که در امتحانات آخر سال، مردم دچار مشکل نشوند. کتاب‌های کمک‌آموزشی را هم مؤسسات مالی اعتباری بدهند. مواد درسی این کتاب‌ها به پیشنهاد من: چگونه پس از بازنگشتن پولی که در این مؤسسات گذاشتید، به زندگی خود در خیابان‌ها و روی کارتن و جلوی مراجع ذی ربط ادامه دهید؛ از چه داروهای چکش‌نشانی، برای خواب بهتر، پس از اعلام ورشکستگی مؤسسات استفاده کنید؛ چگونه به مسئولان مؤسسات اعتباری، وقتی که پول‌تان را ندادند و دارند از در پشتی در می‌روند، همان پشت دسته‌جمعی احترام بگذارید؛ وضعیت آخر وقتی که دیگر آه در بساط ندارید؛ ماندن در وضعیت آخر وقتی که در خیابان سوت می‌زنید و آواز سلطان قلب‌ها را می‌خوانید و مردم شما را با انگشت نشان می‌دهند.

ج. فروش مستقیم تخم‌مرغ توسط سوپری‌ها، بقالی‌ها و خود مرغ‌ها ممنوع شود. دیگر از آنفلوآنزای پرندگان نترسیم! بگذارید سوپری‌ها و بقالی‌ها، تنها تخم‌هایی را که بانک‌ها با مجوز می‌گذارند، بفروشند؛ با اطمینان زندگی کنید؛ این تخم‌ها دو زرده‌اند.

د. نوشتن طنزهای ۴ درصدی من، در این ستون ممنوع شود؛ بانک‌ها طنزهای ۲۰ درصدی بنویسند و در این ستون منتشر کنند. مشکل خنده هم در این وضعیتی که هیچ کس نمی‌خندد، حل می‌شود.

مهین عظیما هنرمند نقاش سال‌های کهولت را به سختی می‌گذراند

راوی رویاها

عکس نوشت

مهرداد رهسپار کوشکی
روزنامه نگار

ایسنا

زن‌های نقاش سال‌های کهولت را به دشواری می‌گذرانند، ایران درودی سال‌هاست به انتظار آغاز ساخت بنای موزه‌اش نشسته است. موزه‌ای را هم که برای آثار منیر فرمانفرمائیان بنا می‌کنند، اجازه نصب عکسش را در موزه نمی‌دهند و از این دو گذشته، به تازگی مهین عظیما، دیگر هنرمند نقاش زن، به‌سختی روزگار می‌گذراند. شنیده‌ها حاکی است، این هنرمند پیشکسوت، «این روزها حال جسمی رو به‌راهی ندارد و تکلم برای او سخت است.» سال‌هاست پیشکسوت‌های هنر و ادبیات ایران زمین آنچنان که باید قدر نمی‌بینند و در انزوا و تنهایی جهان را ترک می‌کنند و این اصلاً خوب نیست. موضوعی که گلبرگ برزین - فرزند این هنرمند به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «هنرمندان وقتی به سن پیری می‌رسند کاملاً فراموش می‌شوند اما وقتی از دنیا می‌روند، یک‌باره نام‌شان بزرگ می‌شود و درباره آنها صحبت می‌کنند. به‌نظرم بی‌معرفتی آدم‌ها است که آنها را فراموش کنند.» مهین عظیما در هشتاد و نه سالگی به سر می‌برد، در دهه سی خورشیدی در شمار معدود زن‌های هنرمند بود که وارد دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران شد و به نقاشی پرداخت. او در روایت آن روزها به روزنامه ایران گفته بود: «در دانشکده هنرهای زیبا، هنرجو بودم، اما چیزی که ما با آن تماس و آشنایی نداشتیم، متریال شیشه بود. سفر زیاد می‌رفتم و نقاشی‌های پشت شیشه توجهم را به خود جلب می‌کرد. تنها یک دوست که اسمش به خاطرم نمی‌آید برای من چند عکس از نقاشی‌های پشت شیشه فرستاده بود. پس از ازدواج با مسعود برزین به آبادان رفتیم و مدتی آنجا زندگی کردیم. در آن دوران سیلی در آبادان آمد، من به همراه تعدادی از خانم‌ها رفتیم به سیلزدگان رسیدگی کنیم، در آن وقت در خانه‌ای یک نقاشی توجهم را جلب کرد و از صاحب آن خانه پرسیدم که این چیست؟ گفتند نقاشی پشت شیشه‌ای است که توسط عبدالجلیل کشیده شده است. به خانه که بازگشتم فکرم خیلی درگیر آن اثر شده بود و پس از آن بود که تصمیم گرفتم نقاشی پشت شیشه کار کنم. خودم نقاش بودم و همان نقاشی‌ای که می‌کشیدم را روی شیشه منتقل کردم» بیش از شصت سال از نخستین روزهای فعالیت هنری این هنرمند می‌گذرد و تاکنون ده‌ها نمایشگاه گروهی و انفرادی از آثار این هنرمند برگزار شده است و آثارش بازتاب دهنده سنت‌های زیبایی‌شناسی نگارگری ایرانی ست. او و هنرمندانی از این دست آردشان را بیخته و الکشان را آویخته‌اند و به کسی و چیزی نیاز ندارند؛ بلکه این مدیران و نهادهای فرهنگی - آموزشی هستند که بیش از آنکه دیر شود باید دست به دامن این چهره‌های هنری شوند و از خرمن تجربه و دانش آنها بهره ببرند و سراغ‌شان را بگیرند.

یادی از بزرگ لشگری

اخلاق و فرهنگ هنری

یادداشت

میلاد کیایی
آهنگساز
و نوازنده سنتور

خاندان لشگری اهل فرهنگ و هنر هستند و اغلب اهل هنر موسیقی. حسن، منوچهر، جواد و بزرگ لشگری و... که علاوه بر نوازندگی، آهنگسازانی بزرگ و بنام و رهبر و سرپرست ارکستر بودند. بزرگ لشگری بزرگ خاندان هنرمند لشگری‌ها بودند که ناباورانه از بین ما رفتند. آشنایی و افتخار آشنایی من با ایشان و خانواده محترم لشگری به بیش از نیم قرن می‌رسید و دراین سال‌ها علاوه بر کارهای هنری، ارتباط‌هایی معاشرتی و مجالستی داشتم. یکی از ویژگی‌های این هنرمند بزرگ مدیریت هنری بود ؛ویژگی که در کمتر افرادی یافت می‌شود. ممکن است عده ای نوازنده خوبی باشند یا یک آهنگساز بنام اما مدیریت در کارهنری ندارند اما آقای لشگری در این زمینه بسیار خوب عمل می‌کردند و در رادیو و تلویزیون سال‌های بسیار مسئولیت چند ارکستر را برعهده داشتند. به‌خاطردارم اوایل سال ۱۳۴۰ بود که آهنگ «طوفان» ساخته شد؛ یکی از ماندگارترین آثار این هنرمند بزرگ که آن زمان استاد بزرگ موسیقی مرتضی حنانه که اندیشه‌های هنریشان در موسیقی بسیار فراتر از زمان خودشان بود این آهنگ را برای یک ارکستر بسیار بزرگ و با حدود ۸۰-۷۰ نوازنده تنظیم کردند. آن دوران من در عنفوان جوانی به اتفاق برادر بزرگم ایرج کیایی شاهد و ناظر ضبط این کار در استودیو ۸ رادیو در میدان ارگ بودیم. این قطعه تحول بزرگی در موسیقی و آن نوع نغمه‌پردازی و ارکستراسیون در آن دوره تقریباً نوآوری متفاوتی بود. استاد بزرگ لشگری آثار بسیاری در موسیقی ساخته‌اند که ماندگار ماند اما آن چیزی که ویژگی این مرد بزرگ است اخلاق و فرهنگ هنری است.

محمدعلی بهمنی هفتاد و شش ساله شد

یک عمر تغزل

نکوداشت

«شاعر شنیدنی است، ولی میل، میل توست
آماده‌ای که بشنوی‌ام، یا ببینی‌ام»

«ایران»: محمدعلی بهمنی، در هفتاد و شش سالگی قبراق و سر حال می‌خواند و می‌سراید و سروده‌های دیگران را می‌خواند و رأی و نظر می‌دهد. با او تماس گرفتم حالش را بپرسم و گفت نمی‌تواند صحبت کند. در جلسه شورای شعر و ترانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ساختمان تالار رودکی همراه دیگر همکارانش، گرم بررسی شعرها و ترانه‌هایی بود که باید بخوانند و به آنها که مجاز می‌دانند، مجوز بدهند. از معدود نهادهای دولتی که او طی دو دهه گذشته با آن همکاری مستمری داشته است. محمدعلی بهمنی را به غزلسرایی می‌شناسند، سروده‌های آزاد هم دارد. از سال‌های نوجوانی دلباخته ادبیات می‌شود و از نیم قرن پیش در حال نوشتن است. او نه تنها در غزل‌هایش بلکه در سروده‌های آزاد و حتی رفتار فردی‌اش نیز روحیه «تغزلی» دارد؛ شاید به همین دلیل هم بود که در عنفوان جوانی و نوجوانی از میان

آینه‌نیوز

خیل شاعران قبل انقلاب شیفته فریدون مشیری شد. هم اوست که نخستین بار در سال‌های دهه سی سروده‌هایی از محمدعلی بهمنی نوجوان را در مجله روشنفکر چاپ می‌کند. نخستین کتاب شعرش دهه پنجاه منتشر می‌شود و از آن زمان تاکنون بیش از ۱۰ کتاب به قلم این شاعر و ترانه سرا منتشر شده است. سروده‌هایی از او را خواننده‌هایی خواندند. او بی‌تکلف و ساده رفتار می‌کند و همین سادگی را به سروده‌هایش هم می‌برد...

عبدالجبار کاکایی
شاعر

اگر آبونمان طبع شاعران بودیم و بابت لذت ادبیات قبض ماهانه می‌آمد، چقدر بدهکار محمدعلی بهمنی بودیم؟! از روزگاری که پا به پای جوان‌های دهه چهل، پیاده از چاپخانه خیابان گرگان تا انستیتو گوته با سبیل‌های پرپشت و سیاه نیچه‌ای راه می‌افتاد و غزل‌های صدا دارش را می‌خواند تا امروز که پابه‌پای جوان‌های دهه هشتاد و نود متین و آرام و صبور با همان سبیل‌های پرپشت، اما سفید نیچه‌ای غزل عاشقانه می‌خواند و غزل عاشقانه می‌شنود و یکی به قلیان پنجاه سال تجربه‌اش می‌زند و شمع تولد هفتاد و شش سالگی‌اش را فوت می‌کند لذت نیم قرن غزل ناب را جرعه جرعه به کام شاعران ریخته و اعتباری به شعر و شاعری بخشیده است، ما همه وامدار بهمنی هستیم حتی سلایقی که دیوان غزل را کتاب مقدس قرون می‌نامند و به حجم آن ورقی اضافه نمی‌کنند بی‌شک با خواندن غزل بهمنی و بهمنی وار، بدهکار قبض آبونمان طبع وقاد این شاعرند...

مجازستان

■ انتقاد از تأخیر ۷ ساله

برخی از کاربران فضای مجازی از قوه قضائیه برای تأخیر ۷ ساله در نهایی کردن پرونده محکومیت خاوری انتقاد کرده‌اند. این کاربران نوشته‌اند ۷ سال پس از پرونده اختلاس ۳ هزار میلیاردی، محکومیت خاوری قطعی شده و به اجرای احکام رفته تا اموالش در ایران شناسایی و توقیف شود. برخی کاربران با کنایه نوشته‌اند: لابد اموال خاوری تا حالا هم از ایران خارج نشده است. حالا چه عجله‌ای بود؟

■ اولویت در شهرداری، اصلاح روش‌ها

یک فعال سیاسی در فضای مجازی نوشت که شورای شهر تهران فردی را به‌عنوان شهردار انتخاب کند که در جهت مبارزه با فساد و رانت، اصلاح ساختار و روش‌ها را بر افشاگری اولویت دهد. استوار باشد و الزام‌های سیستمی اصلاح‌گرایی را درک کند.

■ نگرانی از فرار مرتضوی

برخی از کاربران فضای مجازی نسبت به فرار «سعید مرتضوی» دادستان پیشین تهران ابراز نگرانی کرده‌اند. یک مقام دولت دوازدهم او را «عامل رازهای سر به مهر» دانست که در جریان اطلاعات «یک دهه تاریخ قضایی ایران» است. یک فعال سیاسی نیز در فضای مجازی نوشت: پاسخ سخنگوی قوه قضائیه به خبرنگاران درباره در دسترس نبودن مرتضوی، به منزله خفت و خواری این محکوم است و نشان می‌دهد که سقوط حد و مرز ندارد.

■ پیگیری مطالبه حضور زنان در ورزشگاه‌ها

مطالبه ورود زنان تماشاگر به ورزشگاه‌ها متعلق به طبقه و گروه خاصی نیست. در فضای مجازی تصاویر مختلفی از زنان در سنین مختلف و شهرهای متفاوت منتشر شده است که خواهان حضور در ورزشگاه‌ها برای تماشای مسابقات فوتبال هستند.

■ انتقاد از کشت هندوانه در مناطق کم آب

برخی کاربران فضای مجازی کشت هندوانه در استان سیستان و بلوچستان را اقدامی نادرست دانسته و برای آن تعبیر «صادرات آب» را به‌کار برده‌اند. این کاربران به کم آبی و خشکسالی در این استان اشاره کرده‌اند و خواستار ممانعت از کشت محصولات نیازمند به آب فراوان در همه استان‌ها شده‌اند.

غیرت یا لاتاری

پیشنهاد

ابراهیم عمران

«لاتاری» داستانی است که می‌تواند یدک‌کش «غیرت» و مرام ایرانی باشد و از طرفی می‌تواند با سوءبرداشت‌هایی هم مواجه شود که جنبه نقد و انتقاد محتوایی هم به خود گیرد. ماجرای دلدادگی امیرعلی به نوشین و مخالفت پدر دختر و پدر پسر با این ازدواج و ورشکستگی پدر نوشین، سکانس‌های ابتدایی فیلمی است که فرجامش به «چاقو» و «تیر» می‌رسد. مادر امیرعلی درگذشته است و پدرش همسر دیگری اختیار کرده و به همین دلیل با پدرش زندگی نمی‌کند. برادر نوشین هم در زندان است و پدرش دستفروشی می‌کند. امیرعلی در جمعی فوتبال بازی می‌کند که مربی ای به نام آقا موسی دارد که کمی اخلاقش تند و کم حوصله است، گویا از بچه‌های جنگ است. نوشین به توصیه سامی - از آشناهای پدرش - قرار است به دوبی برود برای کار ترجمه که کمی از بدهی‌های پدرش کم شود، اما پس ازمدتی خبر فوتش به پدرش می‌رسد. قرار است گره داستان از اینجا تعلیقی به خود گیرد. تا اینجای کار نه فیلم کششی دارد و نه حدس اینکه سیر قصه چه خواهد شد؛ آنچنان سخت است. بعد از فوت نوشین، برادرش و امیرعلی و دوست او، تلاش دارند که سر از چرایی این مرگ درآورند. که متوجه می‌شوند سامی از ایران رفته و بواسطه آشنایانی که آقا موسی دارد؛ چند جایی سرک می‌کشند و جواب خوبی نمی‌گیرند؛ و فقط آن‌قدر متوجه می‌شوند که باندی هستند که دخترانی را برای فحشا به آن ور آب می‌برند. دست آخر به توصیه موسی، قرار است که مستقیم عمل نمایند و به دوبی بروند. در ایران در یکی از این مراجعه‌های امیرعلی و مربی‌اش، به فردی به‌نام مرتضی، معرفی می‌شود که دستی بر آتش اجرایی و حکومتی دارد. در بدو ورود به دوبی، باز هم موسی آشنایی دارد و تعجب از این است با این همه آشنا در امور اداری و اجرایی، چرا این امتیاز نمی‌تواند در داخل کشور به‌کار آید. اینکه دختری از خانواده ای سنتی بی‌هیچ شرح و تفصیلی، حاضر شود برای کار به دوبی برود و مخالفتی هم در کار نباشد؛ از ضعف فیلمنامه است. هر چند در سکانسی که امیرعلی از نوشین می‌خواهد سر و وضعش را درست کند در جواب می‌شنود که بواسطه کار در آژانس باید چنین باشد! که بستر و روایتش و آدم‌هایش، این حس را به‌مخاطب نمی‌دهد که باور کند این آسانی رفتن را... اینکه برخی دیالوگ‌های شخصیت‌های فیلم و انتقادهای‌شان به نحوه رفتار مدیران که چرا کاری نمی‌کنند در برابر این کردار سامی، بردن نوشین برای شیخ عرب و امتناع نوشین و خود را به آب پرت کردن، نمی‌تواند به صواب نزدیک باشد. اینکه در پایان با وجود مخالفت مرتضی با عمل متقابل در برابر این باند، موسی و امیرعلی به سبک و سیاق لوطی‌های محله دمار از این دو نفر در می‌آورند؛ هم نمی‌تواند در دنیای امروز، مورد قبول باشد. نشان دادن اینکه چتر اطلاعاتی تا حدی است که مرتضی در آپارتمان سامی، هم می‌تواند کار اطلاعاتی انجام دهد؛ اصلاً مشکلی از فیلم حل نمی‌کند. اینکه عده‌ای را در برخی فیلم‌ها، ناجی مردم و ملت، نشان دهیم و افراد دیگری را هم فقط در سبک و سیاق حرف و گفت‌وگو، کرداری به صواب نمی‌تواند باشد.

گفتن از «نوشتن» و تجربه‌های دیگر...

شب نویسندگان ایرانی

پرده آخر

شکی نیست. شب‌های ادبیات ایران، بسیار کم فروغ‌تر از گذشته است. شاهد گواه اینکه همین یک دهه پیش شب‌های بیشتری به شعر و داستان می‌گذشت و استقبال خوبی هم از آنها می‌شد. اما تازگی‌ها...! حال برای شکستن این رکود، قرار است دوازده نویسنده ایرانی از اول اردیبهشت ماه تا اول مردادماه چهارشنبه‌ها دور هم گرد بیایند و از نوشتن بگویند. نخستین نشست آنان عصر پنجم اردیبهشت ماه با حضور محمدمحمدعلی در مؤسسه هفت اقلیم برگزار خواهد شد. در ادامه این نشست‌ها محمود حسینی‌زاد، رضا جولایی، حسین سناپور، علی خدایی، ابوتراب خسروی، ناهید طباطبایی، منیرالدین بیروتی، امیرحسن چهلتن، فرخنده آقایی، شیوا ارسطویی و یارعلی پورمقدم از تجربه‌هایشان در نوشتن و زندگی و ادبیات خواهند گفت. ترکیب نویسندگان انتخاب شده عموماً از چهره‌های پیشکسوت است و نوید شب‌های خوبی برای مخاطب‌های ادبیات داستانی ایران را می‌دهد. برگزارکنندگان این برنامه هدف‌شان را از برگزاری نشست‌ها چنین اعلام کردند: «مؤسسه فرهنگی هنری هفت اقلیم در نظر دارد به منظور ایجاد بستری برای انتقال تجربه‌های خاص نویسندگی از نویسندگان پیشکسوت به جوان‌ترها، فضایی گفتمانی بین نسل‌های مختلف نویسنده ایجاد کند. به همین منظور در گام اول با دعوت از دوازده نویسنده و نامگذاری هر شب به نام یکی از این نویسندگان، این امکان را برای نویسندگان و علاقه‌مندان به ادبیات فراهم آورده تا طبق زمانبندی تعیین شده، هر چهارشنبه با یکی از نویسندگان پیشکسوت رو در رو نشسته و درباره تجربه‌های خاص نوشتن، رویکرد و همچنین موانع نوشتن به گفت‌وگو و تبادل نظر بپردازند.» آنها وعده کردند این نشست‌ها در گام‌های بعدی با نویسندگانی از نسل‌های مختلف پیگیری شود. بر اساس اعلام این مؤسسه، در هر برنامه یک نویسنده جوان، با میهمان ویژه گفت‌وگو خواهد کرد.

مشق امین یزد؛ خانه‌ای قاجاری با دو حیاط زیبا

ایـران ما

رضا سلیمان نوری
پژوهشگر تاریخ

یکی از خانه‌های قدیمی و اصیل با معماری چشم‌نواز یزد خانه مشق امین یزد واقع در کوچه حسینیه گلشن است. این بنای قاجاری دارای دو حیاط زیبا است. ورودی حیاط اصلی شامل یک دالان و هشتی بوده و در طرف راست آن یک اتاق پنج دری زیبا با پنجره‌ها و شیشه‌های رنگی وجود دارد و در زیر آن زیرزمین تابستانی و خنک قرار دارد. ورودی حیاط دوم در سمت چپ حیاط اصلی قرار دارد. این حیاط دارای اتاق‌های سه دری با درها و پنجره‌های شیشه رنگی است که بالای آنها کتیبه‌های گچبری نقش بسته است و پنجره کوچکی در آن تعبیه شده که دارای شیشه‌های رنگی است و کتیبه‌های گچبری دیده می‌شود. این خانه به سبک خانه‌های اعیانی یزد ساخته شده و از بیرون هیچ گونه اشرافی بر آن وجود ندارد. هر دو حیاط این خانه با خشت فرش شده و عمده مصالح آن آجر و گل و گچ است و حوض مستطیل شکلی در وسط آن وجود دارد. این خانه هم‌اکنون در اختیار سازمان دانش‌آموزی استان یزد است.